

شاندور پتوفی، شاعر رزمنده و انقلابی مجارستان

جمعه ۱۱ میزان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۹ بهروز پویان هنر و ادبیات



عشق و آزادی

این دو را می‌خواهم

جانم را فدا می‌کنم

در راه عشقم

و عشقم را

در راه آزادی

شاندور پتوفی (۱ جنوری ۱۸۲۳ – ۳۱ جولای ۱۸۴۹) یکی از مشهورترین شاعران مبارز و انقلابی جهان بود که زندگی حماسه‌آفرین و اشعار انقلابی‌اش درخشش جنبش آزادی‌خواهی ملت مجارستان است. پتوفی شاعری است که تا پای مرگ برای استقلال و آزادی مردم و میهنش پیش رفت و زندگی کوتاهش را فدای خوشبختی ملتش نمود. او قهرمانی است که نه تنها شعر، بلکه تمام وجودش را در خدمت انقلاب و آزادی گذاشت و با ایثار خونس در قلب توده‌های محروم و زحمتکش دنیا جاودانه گشت.



شان‌دور پتوفی (Sándor Petőfi) در نوجوانی

دوران کودکی پتوفی در فقر و بدبختی گذشت و در سن شانزده سالگی زندگی پرتلاطم وی آغاز شد. در این زمان پتوفی از مکتب فرار کرد و به عنوان هنرپیشه تیاتر سیار به جاهای دور دست کشورش سفر نمود و با درد و فقر ملتش بیشتر آشنا شد. او از زندگی مشقت‌بار دهقانانی که برای مالکان زمین عرق می‌ریختند و در جنگ‌های خائنه فیودالان و اشراف کشته می‌شدند، آگاه گردید.

با وجود فقر جانکاه، پتوفی مطالعاتش را محدود به این سفرها نکرد و بیشتر به آموختن زبان‌های مختلف، تاریخ و ادبیات پرداخت؛ از داستان‌ها و افسانه‌های عامیانه کشورش می‌آموخت تا آگاهی خود را از وضعیت مردم دربندش بالا ببرد. تاریخ انقلاب کبیر فرانسه در زندگی مبارزاتی‌اش تاثیر عمیق به جا گذاشته بود. او با الهام از انقلاب فرانسه دست به قیام مسلحانه زد. پتوفی انقلاب فرانسه را دوست داشت و می‌گفت:

«دعای صبحانه من تاریخ انقلاب فرانسه است، این انجیل جدید تعلیم‌دهنده آزادی و نجاتبخش امروز بشر

است.»

اشعار پتوفی همچون امواج نیرومند، خفته‌ها را بیدار می‌کرد و کاهلان را به راه می‌انداخت، شاعران خیالباف و رومانتیک، جوانان ترسو و عیاش، سیاستمداران معامله‌گر و سازشکار، فرصت‌طلبان بی‌کاره و خودخواه را به باد انتقاد می‌گرفت. پتوفی در اشعارش، در میدان‌های پیکار آرزو می‌کرد که به‌خاطر آزادی و خوشبختی مردم و وطنش جان دهد، آرزویی که زود تحقق یافت. ویژگی توده‌ای و اجتماعی، رونق و شکوه به شعرش می‌داد. برخلاف لیریک‌ها، رومانتیک‌ها که صرف برای دردهای فردی و دوری از معشوقه‌شان اشک می‌ریختند و شاعرانی که با دید مایوسانه به جو حاکم به آینده می‌نگریستند، پتوفی شجاعانه و پرتوان و سرشار از عشق و امید به آینده می‌نگریست.



مجسمه شاندور پتوفی در بوداپست

توفان انقلاب در اروپا باعث شکست امپراتوری‌ها در فرانسه، آلمان، اتریش و ایتالیا شد. آتش انقلاب به مجارستان و بخصوص شهر «پشت» نیز رسید. در ۱۵ مارچ، پتوفی و یارانش در شهر «پشت» روی سانسور مطبوعات پا گذاشتند و انقلاب را در همین شهر رهبری می‌کردند. شعر معروف پتوفی به نام «سرود ملی» به چاپ رسید و پتوفی

این شعرش را برای مردم دکلمه می‌کرد. زندانیان آزادی‌خواه را از زندان «دژ بودا» آزاد ساختند و پس از آن، روزنامه‌ای را به نام «۱۵ مارچ» به نشر می‌رساندند که بیشتر انقلاب مجار، اشعار و عقاید پتوفی را انعکاس می‌داد.

در ۱۷ مارچ در اثر قیام‌های مردمی، دربار «وین» به انقلابیون تسلیم شد. در این خیزش پتوفی همکار لایوش کشتوت، قهرمان ملی مجارستان و نماینده مجلس «دیت» که انقلاب را رهبری می‌کرد، بود. زمانی که دربار ارتجاعی «وین» دوباره به مقاومت برخاست، پتوفی و یارانش مردم را ضد دربار «وین» به مقاومت مسلحانه دعوت نمودند. در همین زمان، بیانیه‌ای را به سربازان ارتش مجار و شعر معروفش «فرار کنید و باز گردید» را منتشر کرد.

او معتقد بود که ایستادگی ملتش در برابر اشغالگران اتریشی، روزنه امید برای همه انقلابیون اروپا است. وی به درستی پی برده بود که استقلال ملت‌ها از هم جدا نیست و به همین منظور به انقلابیون شهر «وین» نیروی کمکی اعزام نمود. زمانی که انقلاب مجار شکست خورد، خود و یارانش داوطلبانه با آزادی‌خواهان ایتالیا به رهبری گاریبالدی پیوستند.

شاندور پتوفی

شاعر انقلابی مجار

کرده آوری و ترجمه:

محمود تفضلی و آنکلا بارانی



روی جلد مجموعه شعری شاندور پتوفی
این کتاب را از اینجا دانلود کرده می‌توانید.

زندگی پتوفی، همه‌اش انقلاب و مبارزه بود. باوجود اعتراض دوستانش، همیشه در خط اول جنگ حضور می‌یافت. پتوفی دوباره با ارتش انقلابی مجارستان پیوست. در شروع این ارتش علیه نیروهای هابسبورگ (خانواده حاکم در مجارستان در خدمت امپراتوری اتریش) دست بالا داشتند ولی پس از این امپراتوری تزار روسیه به رهبری نیکولاس اول به کمک این نیروی مرتجع شتافت، ارتش انقلابی مجارستان با شکست مواجه شدند. گفته می‌شود که برای آخرین بار، پتوفی در ۳۱ جولای ۱۸۴۹ در جریان جنگ سگیوار (رومانیای امروزی) زنده دیده شد و در سن ۲۶ سالگی ناپدید گردید.

پتوفی بیش از ۸۰۰ منظومه شعری دارد، او ساده و جذاب می‌نوشت. پس از مرگش تا یک قرن تمام، آثارش از سوی حکومت‌های مستبد در دسترس مردم قرار نگرفت ولی باوجود این نتوانستند نام چنین شاعر پرآوازه و مردمی را از

تاریخ مجارستان حذف کنند. منتقدان مزدبگیر دولتی در تلاش بودند که آثار پتوفی را نوشته‌های خنثا جلوه دهند و همیشه آن را از دید زیبایی‌شناسی و هنر مورد تنقید قرار می‌دادند.

«حزب همبستگی افغانستان» زندگینامه و گزیده‌ای از اشعار شاندور پتوفی را که توسط محمود تفضلی و انگلا بارانی گردآوری و به فارسی ترجمه شده، دیجیتال‌سازی نموده و در خدمت خوانندگان قرار می‌دهد تا باشد یاد این شاعر مبارز و شرافتمند جهان را همیشه گرامی بداریم. برای جزییات بیشتر درمورد زندگی شاندور پتوفی و اشعار وی، لطفا فایل پی‌دی‌ایف این مجموعه را از [اینجا](#) دانلود کنید.

لافرنان

این هیاهوی دیوانه‌وار تا کی خواهد بود؟

و تا کی اینهمه غرش به نام وطن؟

آن کس که همیشه به زبان، نام وطن دارد

هرگز وطن را در قلبش نخواهد داشت.

زبان شما که چون زبان پیران پرگوست

پرگویی خود را سال تا سال دنبال می‌کند

و آیا مردم هنوز در همانجا نیستند که پیش از این بودند؟

و آیا باز هم همه فسادهای کهن را نداریم؟

اقدام! اقدام! بجای آن که فقط با حرف

وقت گرانیجه را تباه می‌سازید

خورشید خدا و دنیا

با انتظار به شما می‌نگرند و چه بیهوده انتظاری!

دست خود را برای اقدام دراز کنید

و کیسه‌های خود را برای فداکردن بگشایید

و بپروانید این وطن را

که عمری شما را پرورده‌است.

فداکاری و اقدام آئینه‌هاییست

که وطنپرست حقیقی را می‌نمایاند

اما شما خودخواهانی ترسو هستید
ترسو بهنگام اقدام و خودخواه بهنگام فداکاری.
من یقین دارم که بسان درختان کهن در بهاران
ملتهای کهن نیز دوباره جوان می‌شوند.
اما شما کرم‌هایی بر درخت هستید
که برگ تازه نمی‌دهید و حتا کهنه‌ها را هم می‌جوید.

وه، چه نابینایی!
عوام‌فریبی آن‌ها را بر سپر خود نهاده‌است.
و فریب‌خوردگان نابینا
آن‌ها را چون نجات‌بخشان در آغوش می‌پذیرند
نجات‌بخشان؟! اینان وطن‌فروشانند
و ما با دست این لاف‌زنان نابود می‌شویم
دشمن از قیافه آن‌ها می‌فهمد که ما می‌ترسیم
زیرا همیشه سگان ترسو پارس می‌کنند.

من درمیان آنان نخواهم بود
که با هیاهوی به‌دنبال اینان می‌روند.
و اگر روزی پیش آن‌ها بروم
برای چیزی نخواهد بود
جز آن که درهم شکنم
ارابه پیروزمندی این بزرگان دروغین را
و با تازیانه خشم خود نشانه‌های دار را
بر صورت پلید شان بنگارم.